

جمعه جادو

جایگاه صداوسیما در فرهنگ‌سازی با مروری بر یک گزارش مجلس



«محمد رضا امینی»

● اگر به آمار شرکت والت‌دیزنی مراجعه شود، فروشی بالغ بر نصف نفت یا یعنی تقریبا ۴میلیارد دلار و سود تقریبی پنج‌میلیارد دلار را برای سال ۲۰۱۲ خواهیم دید. این قدرت صنعت تفریحات و سرگرمی از طرف دیگر می‌تواند پیانگر ضعف ما هم باشد که به جای درک این قابلیت همواره ناله سر می‌دهیم. یکی از ارکان این صنعت در کشور صداوسیماست و البته شاید دیدگاه هم از برخی جنبه‌ها قیاس مع‌الفارق باشد ولی به هر صورت یکی از مأموریت‌های صداوسیما می‌تواند تولید محصولات فرهنگی ارزشمند از دو جنبه اقتصادی و معنوی باشد و حتی در کجا آمده که محصول فرهنگی معنوی لزوما ارزش اقتصادی نباید داشته باشد؟

مجموعه صداوسیما دارای امکانات زیادی علاوه بر تجهیزات و تأسیسات داخلی است که می‌توان به یک هنرستان و پنج شرکت جانبی قانون تجارتی (یعنی وظیفه حاکمیتی ندارند) اشاره کرد که طبق گزارش مرکز پژوهش مجلس در سال ۸۵ فقط زبان نمی‌دهند (با سود اندکی می‌دهند و فاقد توجیه اقتصادی هستند). همچنین در این گزارش آمده «از آنجا که همواره موضوع شفافیت درآمدهای این سازمان محل سوال مجلس و محل اختلاف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بوده است…» که قابل توجه است.

در حوزه عملکرد مشاهده می‌کنیم که در این سازمان توجه بسیار جالب و پراودگویی به مرکز صنعت تفریحات آمریکا می‌شود، به این صورت که یک کاتال با حرارت تبلیغ می‌کند جدیدترین فیلم‌های سینمای جهان به مناسبت فالن… نمایش داده خواهد شد و هم‌زمان در کانال دیگر برنامه روشنفکری عمیقی



راجع به استعماری بودن این فیلم‌ها یخش می‌شود. جالب‌تر اینکه اخیرا در برنامه راز در کانال چهار از رازی مرتبط با مستندسازان مستقل که از جنایات آمریکا در افغانستان و سوریه و عراق و… با هزینه شخصی فیلم تهیه کرده‌اند، پرده برداشته که هیچ حمایتی از طرف هیچ‌کس به ایشان نشده است، به‌نحوی که فیلم‌های این بندگان خدا حتی از صداوسیما هم پخش نشده در حالی که تقریبا اغلب فیلم‌های هالیوود (قاعدتا با پرداخت حق پخش به آن هم مرکز فساد) از این کانال پخش شده و می‌شود!

بعنوان مثالی دیگر خوب است به موضوع اصلی والت‌دیزنی یعنی انیمیشن کمی توجه کنیم. والت‌دیزنی در حدود ۶۰ سال پیش با دست نقاشی می‌کشید و از تکنولوژی‌های فعلی صداوسیما هم بهره‌ای نداشت فقط ذوق و خلاقیت هنری او بود که باعث چنین موفقیت‌های شگرفی شده است. آیا تاکنون هیچ مسوولی پرسیده که چرا این تشکیلات عظیم‌قادر به‌زاتولید چنین موفقیتی متناسب با فرهنگ اسلامی و نیازهای کشور نیست و باید سال‌ها یک انیمیشن مارودش و امثالهم را بچهای این کشور تحمل کنند و متأسفانه آخرین انیمیشن‌هنر ای آن مرکز فساد در هم‌زمان مشاهده کنند؟ واقعا از این چچه‌ها چه انتظاری می‌توان داشت؟ آیا کسی تاکنون به تأثیر چنین هجمه فرهنگی داخلی در موضوع قرار مغزها فکر کرده؟

یکی دیگر از جنبه‌هایی که در گزارش فوق‌الاشاره مجلس اشاره شده مقایسه‌ای است بین هزینه تولید در صداوسیما در مقایسه با چند مرکز مشابه خارجی که در گزارش می‌خوانیم که: «ولی از سوی دیگر مقایسه ستون هزینه‌های می‌دهد که در صداوسیما نسبت بین هزینه برای تولید و پخش به هزینه‌های اداری و غیرتولیدی یک به دو است در حالی که در آن شبکه‌ها برعکس است… این تفاوت نشان می‌دهد که هزینه‌های سربار اداری و پرسنلی بر بودجه این دستگاه فشار وارد می‌کنند…» نکته جالب که شاید اخیرا هم زیاد قابل رویت است برنامه‌هایی با چندین مجری هم‌زمان است مثلا برنامه صبح با خبر در شبکه خبر شش مجری دارد و برخلاف اسمش و اسم شبکه‌اش صبح به‌جای خبر به خواندن مهم‌ترین تیتیر روزنامه‌های کشور که صحت آنها هم بررسی درستی نشده و پیامک‌های مردم، می‌پردازند! جالب است در یکی از برنامه‌ها اعلام کردند به دلیل تخصصی‌بودن حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست، بهداشت و… باید لشکر متخصصان تیترها را بخوانند در حالی که وقتی شبکه می‌خواهد اخبار خودش را بگوید تقریبا تمام اخبار را یک نفر می‌خواند!

شاید وقت آن رسیده باشد که این سوال مطرح شود که وقتی با دیوانسالاری دولتی نمی‌توان اقتصاد را به جایی رساند آیا می‌توان در حوزه فرهنگ که با ذوق و خلاقیت که نهادهی‌ترین خصلت‌های انسانی است سروکار داریم با چنین دیوانسالاری‌ای حرکت موثری داشته باشیم؟ آیا جایگاه بزرگ‌ترین لشکر مدافع در مقابل تهاجم فرهنگی متناسب با نیازهای روز کشور قابل بهبود نیست؟

گفت‌وگو با مهتاب کرامتی، بازیگر و سفیر حسن نیت «یونیسف»:

بچه‌های «شین آباد» برایم مهم هستند

فرانک آرتا

چراغ بیست‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان ساعت ۱۸:۳۰ امروز نیمه مهرماه در سالن ورزشی گل نرس اصفهان روشن می‌شود. یکی از برنامه‌های این دوره جشنواره همکاری یونیسف و انتخاب فیلم‌ها بر اساس کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل است. مهتاب کرامتی، بازیگر سینما، به مدت هفت‌سال به‌عنوان سفیر حسن‌نیت یونیسف در ایران فعال است. او در گفت‌وگو با «شرق» چگونگی همکاری این نهاد بین‌المللی را با جشنواره کودکان تشریح کرد. البته در کنار آن، دغدغه‌های دیگری دارد که به آنها نیز پرداخته است.

آین‌روزها دغدغه‌های شما چیست؟

در حال حاضر دغدغه‌های زیادی دارم. در ابتدا مهتاب کرامتی بازیگر که قطعا سینما برایش مهم است و طبعاً مثل همه سینماگران برای تعالی سینمای ایران آرزوهایی دارد. آنچه که دوستان دیگر هم تکرار کرده‌اند و همه می‌دانند، اینکه بستر مناسبی برای فیلمسازی به‌وجود بیاید و به‌تبع آن مشکلات اقتصادی سینماگران از بین برود، امنیت به‌وجود بیاید و کم‌کم تلخی‌ای که در وجود تمام سینماگران است از بین برود.

آ به نظر شما این اختلافات ریشه‌ای نیست؟

اصلا به همین دلیل نام این اتفاقات را تلخی می‌گذارم. این مشکلات هیچ‌کدام نمی‌توانند از هم مجزا باشند. اگر این مشکل حل شود، مطمئنا در مرحله بعد مشکلات دیگر حل خواهد شد. اما دوستان باید کمک کنند.

آ البته اگر دغدغه همه تعالی سینمای کشورمان باشد نه مسائل حاشیه‌ای!

وقتی افراد را از هم تفکیک می‌کنیم و رویشان برچسب می‌زنیم یا این اختلاف سلیقه‌ها پیش می‌آید، به‌قول شما اگر فقط دغدغه برای سینما و اعتلای آن باشد، این اختلافات به‌وجود نخواهد آمد. به نظر من این زمان شروع خوبی برای حرکت دوباره است.

آ به نظر می‌رسد اتفاقات خوبی در راه است. اما مواجهه با آن همچنان دغدغوری‌هایی را به‌وجود می‌آورد. به نظر شما دلش‌خوبی چیست؟

چون صبر و تحمل‌مان خیلی کم شده است. می‌خواهیم همین امروز نتیجه‌هم‌چیز را ببینیم. همه با هم دوست شوند، حرف یکدیگر را بپذیرند، به‌دنبال بهانه‌جویی با پیدا کردن متهم یا مقصر جلوه‌دادن یکدیگر نباشند… این موضوع امکان‌پذیر نیست. باید صبرمان بیشتر از اینها باشد.

دلمش‌خوبی‌بعدی‌تان چیست؟

این‌روزها غیر از سینما دو موضوع دیگر ذهنم را مشغول کرده است: «روز جهانی کودک» و فعالیت‌های یونیسف در آن راستا و جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان. دغدغه دیگری که بیشتر وقتم را می‌گیرد، موردی است که بیشتر از طریق یونیسف با آن آشنا شدم. هرچند که پیش از این هم دغدغه ذهنی‌ام بوده، اما هم آزادی زندانیان محکوم‌به‌قتل‌است. من و دوستان همراهم برای جمع‌آوری دبه و رضایت اولیه‌ای‌دم تلاش می‌کنیم. حدود دوام قبل، آقای شعبی از ما برای اکران خصوصی فیلم «دهلیز» دعوت کردند که به نظرم فیلم بسیار خوبی بود. همان‌جا توسط آقای پورشرابی‌ز و خانم افضلی متوجه شدم خامی در آستانه اعلام نیاز دارد که دیداش پرداخت شود. با همکاری آقای رضوی (تهیه‌کننده فیلم) و آقای شعبی توانستیم یک اکران خیلی سریع داشته باشیم و به‌صورت همت عالی پول جمع کنیم. حدود یک‌هفتمین‌قبل در سالن ایوان ششم این اکران بر گزار شد و توانستیم با جمع‌آوری مبلغ آن زمانی را آزاد کنیم.

آ نام این فرد چه بود؟

نمی‌توانم نامش را ذکر کنم. پرداختن به نام این عزیزان و

نگاهی به روی جلد‌های مجله «تایم» به مناسبت اختصاص روی جلد اخیر خود به «روحانی»

هیچ انثری را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مدیومی آن تحلیل کرد. روی جلد مجلات، همواره ترکیبی از عکس و نوشته است و برای خوانش و تحلیل عکس روی جلد مجله، نمی‌توان به نوشته و عنوان کنار عکس بی‌توجه بود. عکس و نوشته با تمام ناهم‌جنس بودن‌شان، با هم در ارتباط و در کارند و نمی‌توان معنای‌ها صریح یا ضمنی یکی از آنها را مستقل از دیگری تحلیل کرد. روی جلد‌های مجله تایم هم استثنائ نیست، خاصه آن زمان که تصویر رییس‌جمهور ایران را منتشر می‌کند. علی‌اکبر هاشمی‌فسنجانی، نخستین رییس‌جمهور ایران است که چهره‌اش روی جلد مجله تایم، در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. عکس ایشان در اندازه کوچک و در پایین کادر، رو به سوی غرب است و تصویر ریگان، رییس‌جمهور وقت ایالات‌متحده در بالای کادر و رو به شرق. راستای نگاه این دو رییس‌جمهور به سمت همدیگر است اما خط نگاهشان به واسطه نوشته‌ای به هم مرتبط شده‌اند. این مستقیم‌نبودن و یابواسطه‌نبودن



مجله تایم ۱۳۸۸

سیاست در گرافیک

تورج صابری‌وند - طراح گرافیک

تایم منتشر می‌شود. اولی تصویر چهره دستکاری‌شده‌وا است به همراه نوشته‌ای با موضوع جنگ. «جنگ با ایران چگونه خواهد بود؟ و چگونه می‌شود از آن اجتناب کرد؟» تصویر بعدی او، باز هم دستکاری و مونتاژشده است. در این تصویر، سر و تن احمدی‌نژاد، به هم نمی‌آیند، چهره‌اش به‌هم‌ریخته است و جیب‌هایش خالی است و دستان نیز تهی. زاویه چشم‌اش به سوی کسی است که بالاتر از او است. نوشته روی جلد هم مربوط به سلاح‌های هسته‌ای است. در این سه تصویر که از رییس‌ان‌جمهور ایران در مجله تایم منتشر شده است، نوشته کنار عکس‌ها مربوط به این سه موضوع است: معامله اسلحه، جنگ با ایران، سلاح‌های هسته‌ای. تمام این عنوان‌ها، ایران را به



مجله تایم ۱۳۸۵



عکس: ناصر جرییدی/شرق

آ در داورى‌ها چه نکاتی را در نظر می‌گیرید؟

موردی که برای ما مهم است این است که آموزه‌های یونیسف در این فیلم‌ها لحاظ شود. اسمال جناب آقای نیکخواه آزاد که سال گذشته دیپلم افتخار بخش یونیسف را گرفتند و در زمینه ساخت فیلم کودک سابقه طولانی دارند از ابتدای نوشتن فیلمنامه‌شان با یونیسف در ارتباط بودند. اسمال فیلم منتخب یونیسف مثل سال گذشته علاوه بر تندیس یونیسف و دیپلم افتخار یک دوربین D5S خواهد بود و از فیلم دوم هم تقدیر خواهد شد. اتفاق خوشایند دیگر هم این است که ما به داوران کودک ایرانی و بین‌الملل هم جداگانه هدایای نفیسی اهدا می‌کنیم. به نظر محرومان تشنگ و به پادماندن‌ی خواهد بود.

آ با اینکه برای فیلم «فرزند چهارم» موفق به دریافت

جایزه شدید، چرا به گرjestان نرفتید؟ مسئله‌ای به دلیل کمبود وقت برای هماهنگی هفته کودک و جشنواره فیلم کودکان و بحث داری و… نتوانستم برای این سفر برنامه‌ریزی کنم.

آ چرا در کنسرت آقای ناظری شرکت نکردید. چون ایشان دو روز برای بچه‌های شین‌آباد گل‌ریزان داشتند؟

آرزویم این است که بتوانم در هرجا که مشرمن‌رم قرار می‌گیرم حضور داشته باشم. اما مواقعی جدا فرصت نمی‌شود. بچه‌های «شین‌آباد» برایم خیلی مهم هستند و زمانی که چند گزارش در مورد ایسن حادثه خواندم با پیگیری از دوستان خبرنگار توانستم چند گروه خبر با هماهنگی به آنها وصل کنم. جزو این گروه چند جراح پلاستیک بودند که عمل کودکان و حتی هزینه‌زدنگی چندتایی‌را اقبال کنند. این کمک‌ناچیز من در آن مقطع بود ولی اینکه هرجا که دعوت می‌شوم بتوانم بروم فقط به دلیل کمبود وقت عملی نیست.

آ اما حادثه شین‌آباد ابعاد گسترده‌ی داشت؟

در این هفت‌سالی که به‌عنوان سفیر یونیسف فعالیت می‌کنم و قبل از آن هم که در انجمن‌هایی مثل «نفس»، بزرگ‌ترین چیزی که دیدم روحیه بزرگواری و خیر مردم ایران است. کمک به همو‌ن دغدغه همه است. از هنرمندان و ورزشکاران تا مردم عادی و… در این حادثه همدلی مردم تحسین‌برانگیز بود. در عین حال حضور دوستان در آن‌جی‌اوه‌ای مختلف مثل خانم رهنما در بچه‌های پرنوله‌ای و هموفیلی و… کمک می‌کند که مردم با مشکلات کودکان بیشتر آشنا و همراه شوند.

آ برنامه بعدی‌تان برای مجرمان قتل چیست؟

ترجمیم این است که این‌بار به یکی از موارد قتل‌های زیر ۱۸ سال بپردازم.

موضوع‌های جنگ و اسلحه بیوند می‌داد. اما روحانی در آخرین روی جلد مجله تایم این سیر را بر هم می‌زنند. برخلاف چهره احمدی‌نژاد، مجله تایم، تصویری واقعی و دستکاری‌شده‌ای از او نشان می‌دهد. روحانی رو به سوی غرب تصویر دارد، یعنی به جایی که مجله کشوده می‌شود. تصویر دکتر حسن روحانی، یک رنگ است و رنگ مشکی پس‌زمینه تمام توجه را بعد از گذشت دمو‌اه از ریاست‌جمهوری به سوی او کشانده است. اما آنچه این روی جلد را با رو‌جلدهای پیشین متمایز می‌کند، نوشته کنار تصویر با موضوع (صلح) است: «معامله بر سر چیست؟ چطور حسن روحانی می‌تواند با آمریکا صلح کند؟»

اما اینکه عنوان‌ها و تصویرها، چقدر آگاهانه از سوی مجله تایم انتخاب و طراحی شده‌اند، قابل اثبات با در نیست. فقط می‌توان حسد زد. رولان بارت در پیام عکس می‌نویسد: رمزگان معنای ضمنی، به احتمال بسیار، نه «طبیعی» است و نه «مصنوعی»، بلکه تاریخی یا بهتر بگوییم «فرهنگی» است.



مجله تایم ۱۳۶۵

آکادمی

گمانه‌زنی روی برنده مهم‌ترین جایزه ادبی ادامه دارد

«نوبل» و نگاه‌های شرط‌بندی

فرزانه ابراهیم‌زاده

● ساعت ۱۱:۳۰ امروز ۷ اکتبر برابر با ۱۵ مهر به‌وقت استکهلم داوران فراک‌پوشیده آکادمی علوم سلطنتی سوئد پاکت نام برنده نوبل پزشکی را در حالی می‌خوانند که بازار شرط‌بندی و گمانه‌زنی‌ها برای حس نام برندگان مهم‌ترین جایزه جهان داغ‌تر می‌شود؛ جایزه‌ای که هر‌سال به نام آلفرد نوبل دانشمند بزرگ سوئدی برای گسترش سلج و دانش در رشته‌هایی چون پزشکی، اقتصاد، فیزیک، شیمی، صلح و ادبیات اهدا می‌شود. اما در میمان این جوایز بعد از جایزه صلح نوبل که بی‌تردید مهم‌ترین جایزه است؛ نوبل ادبیات برای همگان جذاب‌تر از رشته‌های دیگر است. جایزه‌ای که ۱۸ نفر عضو انتخاب آن از میان کسانی هستند که عادت به حرف زدن و پاسخ دادن ندارند و بعد از اعلام نتیجه هم باز به درون آکادمی بازمی‌گردند تا اکتبر سال آینده شاید به همین دلیل هم بیشترین شرط‌بندی و گمانه‌زنی به احتمالاتی درباره برنده نوبل ادبی اختصاص پیدا می‌کند. در سال ۲۰۱۳ نیز بنگاه شرط‌بندی «فرهنگی» «لندبروکس» گمانه‌زنی‌های خود را از چند هفته مانده به آغاز فصل جوایز نوبل آغاز کرد. لندبروکس بریتانیایی بزرگ‌ترین بنگاه شرط‌بندی در جهان است که هر‌سال روی گمانه‌زنی‌ها درباره نوبل ادبی سرمایه‌گذاری می‌کند. از روی میزان شرط‌بندی‌هایی که روی نام برخی نویسندگان سرشناس انجام می‌شود می‌توان تا حدودی برنده نوبل ادبی را به حس و گمان دریافت کرد. البته این گمانه‌زنی‌ها تقریبا در ۱۰ سال گذشته با آنچه از پشت درهای آکادمی خارج شده تفاوت داشت. سال گذشته در حالی که شرکت لندبروکس و شرط‌بندانش تا لحظه‌های آخر رقابت نهایی جایزه نوبل را میان هاروکی موراکامی ژاپنی و علی احمد سعید ادونیس می‌دانستند؛ اعضای آکادمی نوبل ادبیات یکدستی زدن و نامی را خوانند که هیچ‌کس یک به صد هم گمان نمی‌کرد. برنده نوبل ادبیات باشد: «مو یان چینی»؛ نویسند‌ای که چند هفته قبل از نوبل از سانسور در کشورش حمایت کرده بود و دولت چین اعلام کرده بود به‌مناسبت این جایزه در محل نوبل نویسندۀ پارک ادبیات مو یان را می‌سازد. سال ۲۰۱۱ نیز با آنکه همه شرط‌بند‌ها معتقد بودند که بعد از ماریوس بارگلس‌یوسا نوبت فیلیپ راس یا موراکامی است که این جایزه را به دست بیاورد، نوبل ادبیات به ترانسترمر سوئدی اهدا شد. هرچند زمان اهدای نوبل ادبیات از سوی آکادمی علوم سلطنتی سوئد مشخص نشده‌ا‌ما این جایزه باید کمتر از ۱۰ روز دیگر اهدا شود و بار دیگر نام هاروکی موراکامی در راس همه شرط‌بندی‌هاست. او مانند سال گذشته نسبت ۱ به ۲ را برای دریافت نوبل ادبیات دارد. بعد از او با‌فصله کمتری آسیایی دیگری یعنی علی‌احمدسعید یا ادونیس سوری قرار دارد که نامش در چند سال گذشته به‌حران سسوریه به اوج خودش رسیده بیشتر به گوش می‌رسد. بخت ادونیس به‌خصوص بعد از نامه‌ای که به بشار اسد نوشت و گفت‌وگویی که به‌تازگی با سی‌ان‌ان داشته بیشتر شده است. جویس کرول اوتس، نویسنده آمریکایی، الیس مسوروی کلدابی و فیلیپ راس نویسندگانی هستند که در ده‌های بعدی این شرط‌بندی قرار دارند.

در میان گزینه‌های اسمال نام پتر نالدس، نویسنده مجارستانی و کو‌اون، شاعر کروی‌ها هم به چشم می‌خورد که با اینکه امتیاز کمتری دارند اما از بخت بالاتری به نسبت نویسندگان آمریکایی برخوردار هستند. بسیاری نوبل ادبی را جایزه ضد‌آمریکایی می‌دانند. هوراس انگدال، سخنگوی نوبل که معتقد است نویسندگان آمریکایی بسیار مغرور هستند. آخرین آمریکایی که نوبل ادبیات را دریافت کرده تونی موریسون بوده که در سال ۱۹۹۳ این جایزه را گرفته است و نویسندگان صاحب‌سبکی چون پل آستر، فیلیپ راس و اوتس حتی شانس قدر داشتند در میان شرط‌بندی‌ها را نداشتند. با این‌همه بعد از فوتنش که آکادمی نوبل فرصت دادن نوبل به او را از دست داد، شاید هاروکی موراکامی ناکام‌ترین نویسند‌های است که در شرط‌بندی‌های ۱۰ سال گذشته نامش یکی بی‌نصیب‌ماند. حالا باید تا بعد از ۱۷ اکتبر صبر کرد تا دید از پشت درهای بسته آکادمی علوم سلطنتی سوئد سرانجام قرع به نام چه کسی خواهد خورد. هرچند نام هر کسی از این در بسته بیرون بیاید مهم نیست چراکه این جایزه هر‌ساله مبلغ زیادی را نصیب شرکت‌هایی چون لندبروکس می‌کند و ضررش به جیب کسانی می‌رسد که روی گزینه‌های ناکام سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سرخط

مهر: عباس غفاری، مسوول پروژه اجراهای محیطی در فضاهای پیرامون سالن‌های مجموعه تئاتر شهر از تعطیل شدن این پروژه به دلیل نبود حمایت از سوی اداره‌کل هنرهای نمایشی و رییس مجموعه خبر داد.
خبر آنلاین: کارلو لیترانی نویسنده و کارگردان و یکی از قهرمان‌های سینمای نئورالیستی ایتالیا شب‌به از دنیا رفت.

مهر: از کستر فیلارمونیک تهران به رهبری آرش گوران در تازه‌ترین اجای خود میزبان نریکو آکاه، پیانیست صاحب‌نام دب‌بای موسیقی در هفته فرهنگی زاین در ایران خواهد بود.

شرق: دور‌های تهران‌شناسی «بلد منطقه» برای آشنایی با جریانات و تاریخ پیدایش تهران با حضور سید عبدالله انوار تهران‌پژوه و مورخ معاصر، در خانه فرهنگ دکتر عظیمی بر گزار می‌شود.